

بررسی مقایسه‌ای توجیه باورهای مبتنی بر گواهی و حجیت خبر واحد (با تمرکز بر آرای الیزابت فریکر و شیخ انصاری)

علیرضا دری نوگورانی*

چکیده

یکی از منابع مهم باورهای دینی در ادیان ابراهیمی گواهی است. مسائل معرفت‌شناختی پیرامون باور مبتنی بر گواهی هم در معرفت‌شناسی معاصر هم در بحث خبر واحد و متواتر در اصول فقه شیعه طرح شده است. در این مقاله، با بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های اصلی میان شرایط کسب باور موجه از طریق گواهی در الیزابت فریکر از معرفت‌شناسان شاخص معاصر در بحث گواهی و شیخ انصاری از شخصیت‌های شاخص اصولی شیعه این مسئله بررسی شده است که آیا می‌توان مباحث این دو سنت فکری را در موضوع یادشده مقایسه کرد؟ به این منظور ابتدا مفاهیم کلیدی از جمله خبر و حجیت از نظر شیخ انصاری با گواهی و توجیه از نظر فریکر مقایسه شده‌اند. سپس، در پرتو این مقایسه، شروط لازم برای کسب باور موجه از طریق گواهی از نظر هر دو متفکر مقایسه شده‌اند. در نهایت، نشان داده شده است که به خاطر تفاوت‌های بنیادین این دو نظریه، برخی شباهت‌های ظاهری در واقع تفاوت هستند؛ با این حال، هرچند امکان مقایسه متفی نیست، این مقایسه باید با نهایت دقت صورت گیرد.

کلیدواژه‌ها: گواهی، دلیل نقلی، خبر واحد، توجیه، حجیت، عقل سلیم، بنای عقلا.

۱. مقدمه

بسیاری از باورهای دینی بر گواهی^۱ مبتنی هستند و بسیاری از فروع دین به طور متواتر

* دانشجوی دکتری، گرایش فلسفه دین، گروه حکمت معاصر، تهران، ایران / پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

فرهنگی، تهران، ایران، khatat@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۱۹

گواهی نشده‌اند؛ لذا بحث از اینکه آیا دریافت‌کننده گواهی می‌تواند به نحوی موجه (به معنای اعم از درون‌گرایی و برون‌گرایی) باورهایی را از طریق گواهی کسب کند یا نه و اگر می‌تواند در چه شرایطی می‌تواند چنین کند، بحثی حیاتی برای توجیه باورهای دینی است.^۲ آن‌چه در این پژوهش به دنبال بررسی آن هستیم این است که آیا در فضای بحث الیزابت فریکر (Elizabeth Fricker) در حوزه معرفت‌شناسی گواهی می‌توان از بحث‌های شیخ انصاری پیرامون حجیت خبر واحد برای حل برخی مسائل یا آشکارشدن برخی اشکالات بهره برد. آیا می‌توان این دو دانش را که در بافتی کاملاً متفاوت و با اهدافی کاملاً متفاوت شکل گرفته‌اند، مقایسه کرد. انتخاب این دو فرد به این دلیل است که شیخ انصاری را برخی «مؤسس آخرین و پیشرفته‌ترین دوره علم اصول» می‌دانند (گرجی، ۱۳۶۱: ۵۱).^۳ بعلاوه، فریکر یکی از معرفت‌شناسان بنام حوزه گواهی است که دیدگاه‌هایش به برخی دیدگاه‌های شیخ انصاری در موضوع خبر واحد، به نسبت، بیشتر قابل مقایسه به نظر می‌رسد.

در بادی امر، دو دیدگاه حداقلی و حداکثری قابل طرح هستند. با توجه به تفاوت بافت و اهداف، مقایسه حجیت خبر واحد و توجیه مبتنی بر گواهی ممکن نیست یا با تکیه بر برخی اهداف مشترک میان این دو منظومه فکری و بر اساس شباهت‌های ظاهری مفاهیم به‌کاررفته مانند حجیت، خبر و بنای عقلا با توجیه، گواهی و عقل سلیم به‌راحتی می‌توان این دو دانش را با یکدیگر مقایسه کرد؛ اما در این پژوهش نشان خواهیم داد که هر دوی این رویکردها برخفا هستند. در واقع به نظر می‌رسد رویکرد قابل قبول رویکردی بینابینی است. به این معنا که اولاً نمی‌توان حکمی کلی درباره کل اصول و کل معرفت‌شناسی صادر کرد و ثانیاً برای مقایسه، پس از انتخاب یک متفکر اصولی و یک متفکر معرفت‌شناس، باید به دلایل و پیش‌فرض‌ها به‌خوبی دقت کرد. در ادامه این مطلب روشن‌تر خواهد شد.

در بادی امر به نظر می‌رسد اصول و معرفت‌شناسی با توجه به هدفی که دارند نسبت به هم بیگانه‌اند، اما در موضوعاتی خاص اهدافی مشابه پیدا می‌کنند و انگیزه مقایسه را تقویت می‌کنند. توضیح آنکه بر اساس نظر مشهور اصولیون هدف اصول فقه آگاهی از قواعدی است که به منظور استنباط احکام به کار گرفته می‌شوند. یا (بر اساس تعریف آخوند خراسانی علاوه بر این)، آگاهی از قواعدی است که در مقام عمل به کار می‌آیند؛ هرچند مجتهد را در استنباط حکم فقهی یاری نمی‌کنند (خراسانی، ۱۴۰۹: ۹). از سوی دیگر، معرفت‌شناسی را به طور کلی و با تسامح می‌توان مطالعه سرشت معرفت و توجیه دانست.

هدفِ اصولِ فقه و معرفت‌شناسی که بر اساس تعریف‌شان بسیار دور از هم به نظر می‌رسند، در بحث اخبار و گواهی به یکدیگر نزدیک می‌شوند. توضیح آنکه کتاب و سنت که نقش اصلی را به عنوان منبع استنباط احکام بازی می‌کنند، از مصادیق اخبار یا گواهی هستند. در نتیجه، اصولی باید به این سؤالات پردازد که آیا از انواع اخبار می‌توان برای استنباط احکام شرعی استفاده کرد یا نه؟ به تعبیر دقیق‌تر آیا انواع اخبار حجیت اصولی دارند؟ اگر پاسخ به این پرسش مثبت است، کدام انواع خبر تحت چه شرایطی برای استنباط احکام قابل استفاده هستند؟ و سؤال آخر اینکه دامنه حجیت این اخبار چه میزان است؟ از سوی دیگر، معرفت‌شناسی گواهی به این سؤالات پاسخ می‌دهد که آیا اساساً گواهی می‌تواند موجه (به معنای معرفت‌شناختی) باشد؟ اگر پاسخ به این پرسش مثبت است، کدام انواع خبر تحت چه شرایطی برای کسب معرفت یا توجیه قابل استفاده است؟ و اینکه دامنه توجیه‌بخشی گواهی چه میزان است؟

گام اول برای شروع بحث، مقایسه مفاهیم به‌ظاهر مشابه در بحث شیخ انصاری و فریکر است. به این منظور دو مفهوم کلیدی خبر و حجیت به‌ترتیب با گواهی و موجه‌بودن مقایسه شده است؛ سپس، شرایط حجیت خبر و موجه‌بودن گواهی و درنهایت گستره حجیت خبر و توجیه گواهی مقایسه شده است.

۲. خبر و گواهی

خبر در منطق به معنای قولی است که احتمال صدق و کذب در آن وجود دارد و در اصول به «آن دسته از کلام غیر معصوم گفته می‌شود که از قول، فعل یا تقریر معصوم علیه‌السلام حکایت کند» (مرکز اطلاعات مدارک اسلامی، ۱۳۸۹: ۴۳۸؛ انصاری، ۱۴۲۸ ق: ۲۳۸).^۴ آشکار است که در این تعریف بر آن جنبه‌ای از خبر تأکید شده است که در اصول مورد توجه است و باید آن را زیرمجموعه‌ای از مفهوم خبر منطقی دانست؛ بر اساس این تعریف، بر حکایت‌گری کلام غیر معصوم تأکید شده است. بر اساس تلقی اصولیون باید مراد جدی در بیان جمله از سوی گوینده وجود داشته باشد تا اساساً بتوان این حکایت‌گری را به گفته او نسبت داد؛ در نتیجه، مواردی مانند مستی یا بیهوشی که فرد مراد جدی ندارد از دایره بحث خارج است.

در نظریه فریکر بحث پیرامون مفهوم گواهی است. در ترجمه گواهی نمی‌توان از تعبیر

نقل استفاده کرد؛ زیرا بنا به نظر برخی معرفت‌شناسان گواهی صرفاً انتقال‌دهنده معرفت نیست، بلکه می‌تواند مولد آن نیز باشد. در نتیجه، در ترجمه باید از تعبیری مانند گواهی استفاده کنیم که نسبت به انتقال دهندگی و تولیدکنندگی لایشرط باشد؛ نه ترجمه نقل که انتقال‌دهندگی صرف در گواهی را مفروض دارد. فریکر گواهی را در قالب یک نمونه‌الگو (paradigm case) معرفی می‌کند. نمونه‌ای واضح و غیرقابل انکار از یک مفهوم «نمونه‌الگویی» از آن مفهوم است؛ احکام معرفتی مصادیق غیرتام در نسبت با این مصداق تام مشخص می‌شوند. از نظر او نمونه‌الگوی گواهی زمانی محقق می‌شود که «گوینده چیزی را به زبانی مشترک، به صورت چهره به چهره به شنونده می‌گوید و معنای تحت‌اللفظی آنچه گفته شده مراد گوینده است»^۵ (Fricker, 2006a: 593). فریکر از کنش‌گفتاری گفتن (telling) در این تعریف استفاده کرده است که از نظر او سه ویژگی دارد: ۱. گوینده واقعاً یا به‌ظاهر، بر اساس معرفت خود، گزاره را می‌گوید (Fricker, 2012: 62)؛ ۲. گوینده، باور دارد یا احتمال می‌دهد که مخاطب او نسبت به گزاره بیان شده جاهل است (Fricker, 2006a: 596)؛ و ۳. در کنش‌گفتاری گفتن، مخاطبی قصدشده (intended audience) وجود دارد (ibid).

فریکر معتقد است مصادیق متنوع از گواهی «طیفی مدرج از موارد ممکن» را تشکیل می‌دهند که نمی‌توان همه آن‌ها را در یک تعریف گنجانند. به همین دلیل، طرح تعریفی جامع و مانع از گواهی را موفق نمی‌داند (Fricker, 2002: 375). در نتیجه، برای حفظ سادگی و وضوح بیشتر در بحث‌ها به جای طرح تعریفی جامع و مانع از گواهی نمونه‌الگویی از گواهی را پیشنهاد می‌کند (Fricker, 2002: 375; 2006b: 601).

شیخ انصاری مفهوم خبر را برخلاف فریکر به کمک نمونه‌الگو معرفی نمی‌کند و تعریف پیشنهادشده به عنوان تعریفی جامع و مانع از خبر اصولی بیان می‌شود؛ البته با توجه به هدفی که فرد اصولی دارد، وی با برخی مصادیق گواهی مواجه نیست؛ برای مثال، اخباری که مراد گوینده (فرد غیرمعصوم) معنای تحت‌اللفظی آن گفته نیست یا افرادی که در حال مستی یا بی‌هوشی بدون قصد جدی انتقال محتوا چیزی را به زبان می‌آورند. در نتیجه، دایره مصادیقی که اصولی به دنبال بیان تعریفی برای آن‌هاست با دایره مصادیقی که معرفت‌شناس به دنبال بیان تعریف برای آن‌هاست متفاوت است. به علاوه، با توجه به محدوده اخباری که مورد نظر اصولیون است (اخبار حاکی از قول، فعل یا تقریر معصوم)، اساساً انگیزه‌ای برای طرح بحث مولدبودن یا نبودن خبر در دانش اصول وجود

ندارد. زیرا اخبار مولد، بر فرض وجود^۶، به درستی حاکی از قول، فعل یا تقریر معصوم نیستند.

پس از مقایسه مفهوم خبر و گواهی مناسب است که به تقسیم‌بندی‌های مختلف از انواع خبر و گواهی اشاره شود. در بحث فعلی فقط به دو دسته‌بندی اشاره می‌شود: شیخ انصاری همسو با اصولیون دیگر از جهت تعداد گواهی‌دهنده، اخبار را به دو دسته خبر متواتر و خبر واحد^۷ تقسیم می‌کند.

خبر متواتر، روایتی است که به‌تنهایی (بدون وساطت عقل و بدون خبر دادن صادق امین به صدق آن) افاده سکون و اطمینان خاطر می‌نماید و این سکون خاطر برخاسته از نقل راویان متعددی^۸ (در همه طبقات) است که تبانی و همدستی آنان بر جعل خبر و دروغ‌پردازی عادتاً محال می‌باشد، مثل علم به وجود شهر مکه، برای کسی که تاکنون به آن شهر نرفته است، در صورتی که چنین علمی ناشی از خبر دادن افراد زیادی باشد که به آنجا رفته و از وجود چنین شهری خبر آورده‌اند. (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹: ۴۴۲).

خبر واحد به خبری گفته می‌شود که به‌نفسه با نظر به ذاتش و بدون کمک گرفتن از خارج علم‌آور نبوده و تعداد راویان آن به حد تواتر نرسد، چه راوی آن یک نفر باشد یا چند نفر (همان).

از نظر شیخ انصاری خبر متواتر افاده قطع (یقین روان‌شناختی) می‌کند و قطع کاشفیت ذاتی دارد. در نتیجه، لازم نیست خداوند حجیت آن را جعل کند. در نتیجه، بدون نیاز به استناد به منابع شرعی می‌توان از آن برای استنباط احکام استفاده کرد. در این پژوهش بر بحث‌های پیرامون خبر واحد تمرکز شده است.

خبر واحد از جهت کیفیت دریافت گواهی به دو دسته اخبار حسّی و حدسی تقسیم می‌شوند: خبر حسّی خبری است که «اساس آن بر ادراک حسّی استوار است، مثل آنکه شخصی حدیثی را از معصوم (ع) شنیده و یا فعلی را از معصوم (ع) دیده و سپس آن را نقل می‌کند.» (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹، ۴۴۰) «در خبر حدسی، گوینده مدلول خبر را از معصوم (ع) یا از کسی که از معصوم (ع) شنیده است، نشنیده است؛ بلکه آن را از راه اجتهاد و استدلال به‌دست آورده باشد. طبق دیدگاه اصولی‌ها، ادله حجیت خبر واحد ثقه خبر حدسی را شامل نمی‌شود و مختص اخبار حسّی است» (فرهنگ‌نامه اصول، فقه: ۴۴۰)؛ زیرا دلایل حجیت خبر واحد شامل اخبار حدسی نمی‌شود (انصاری، ۱۴۲۸ ق:

ج ۱، ۱۷۹-۱۸۰). هرچند اصطلاح حجیت خبر حدسی در بحث‌های اصولی مطرح نمی‌شود، می‌توان تبعیت از قول متخصص مانند مرجع تقلید در احکام شرعی را مصداقی از تبعیت از خبر حدسی دانست؛ چرا که مجتهد از استنباط خود در صدور فتوا استفاده می‌کند و تمام آنچه می‌گوید مبتنی بر ادراکات حسی او نیست. شروط حجیت رجوع جاهل به عالم بحثی است که در فقه پیگیری می‌شود.^۹ آنچه تمرکز اصلی این پژوهش است، پیرامون حجیت خبر واحد حسی است.

در اندیشه فریکر مسئله به‌گونه دیگری است؛ او میان موضوعاتی که احتمال خطا یا فریب در آنها بیشتر است و آنهایی که این‌گونه نیست تمایز قائل می‌شود. در بخشی که به گستره توجیه باورهای مبتنی بر گواهی می‌پردازیم، بیشتر در این مورد سخن خواهیم گفت.

۳. حجّت اصولی و توجیه معرفت‌شناختی

یکی از مهمترین مفاهیمی که برای فهم نسبت میان بحث حجیت خبر واحد و توجیه مبتنی بر گواهی لازم است بررسی شود، مفهوم حجّت اصولی و توجیه معرفت‌شناختی است.^{۱۰} شیخ انصاری حجّت را حد وسط در استدلال می‌داند که به واسطه آن اکبر برای اصغر ثابت می‌شود (انصاری، ۱۴۲۸ ق: ج ۱، ۲۹). برای مثال، استدلال زیر را در نظر بگیرید:

۱. این کار کاری است که فتوادهنده حکم به حرمت آن داده است.

۲. هر کاری که فتوادهنده حکم به حرمت آن داده باشد، حرام است.

۳. این کار حرام است (همان).

در اینجا کاری که فتوادهنده حکم به حرمتش داده است، حد وسط و بر اساس تلقی شیخ انصاری حجّت است. نکته قابل توجه در مورد حجّت این است که شیخ انصاری لازم نمی‌داند حجّت همواره به‌گونه‌ای باشد که باوری که برایش حجّت ذکر شده است، با استناد به حجّت ضروری شود و هیچ احتمال خطایی در مورد آن به ذهن نرسد. او حجّت را برای ادله‌ای، مانند خبر واحد ثقه، به‌کار می‌برد که صرفاً افاده ظن می‌کند و برای شنونده قطع‌آور نیست. مراد از قطع نزد اصولیون اعتقاد جازمی است که از نظر فرد قطع‌کننده صادق است؛ در نتیجه، قطع شامل علم، جهل مرکب و اعتقاد تقلیدی می‌شود. قطع تعبیر دیگری از یقین روان‌شناختی است. شیخ برای قطع طریقت ذاتی قائل است^{۱۱} و به‌کاربردن تعبیر حجّت را برای آن درست نمی‌داند و بحث خبر واحد را در مباحث مربوط به قطع از آنجا که خبر

واحد افاده ظن می‌کند، به مباحث مربوط به قطع وارد نمی‌شویم.

لازمه حجیت یک دلیل، منجزیت^{۱۲} و معذرت آن است؛ یعنی در جایی که دلیل، به واقع اصابت کند، تکلیف بر مکلف منجز شده و مخالفت با آن، مستوجب عقوبت است؛ اما در جایی که حجّت، به واقع اصابت نکند، تمسک به حجیت برای مکلف، عذر محسوب شده و او را از عقاب می‌رهاند (فرهنگ‌نامه اصول فقه: ۳۹۱).

فریگر توجیه را «به عنوان پایه‌هایی که سوژه در دفاع از باورش می‌تواند به آنها ارجاع دهد» تعریف می‌کند (Fricker, 2006c: 622). توجیه، پاسخ به چرایی باور فرد به گزاره‌ای خاص است. این پاسخ باید دست‌کم دو ویژگی داشته باشد؛ اول اینکه آشکارکننده وجود رابطه بین این باور و آنچه حاکی از آن است باشد و دوم اینکه نشان‌دهنده صدق احتمالی باور مورد نظر باشد (Fricker, 2004: 129). همان‌گونه که ویژگی دوم توجیه آشکار می‌کند، از نظر فریگر رابطه میان توجیه باور مبتنی بر گواهی و باور مبتنی بر گواهی لزوماً استلزام منطقی نیست؛ بلکه می‌تواند رابطه‌ای ضعیف‌تر میان این دو وجود داشته باشد (Fricker, 1994: 159). از نظر فریگر توجیه مبتنی بر گواهی از جنس استدلال از طریق بهترین تبیین است. در این دسته از استدلال‌ها مقدمات به نحو استلزام منطقی نتیجه را در پی ندارند. با توجه به نکاتی که بیان شد به نظر می‌رسد اشتراکات و افتراقاتی بین مفهوم حجیت و توجیه وجود داشته باشد.

۱. مفهوم توجیه نزد فریگر تا حدی مانند دلیل غیرقطع‌عی‌ای است که در حجّت مورد نظر است.

۲. مفهوم حجیت و توجیه نزد فریگر و شیخ انصاری رویکردی درون‌گرایانه البته با نسخه قوی به حجیت و توجیه دارد. به این معنا که فاعل شناسا در صورتی موجه است یا حجّت دارد که علاوه بر آگاهی از قرائن، توجیه متناسبی هم داشته باشد که نشان دهد این قرائن چگونه باور را پشتیبانی می‌کنند.^{۱۳} توجه به این نکته ضروری است که فضای بحث شیخ انصاری چیزی غیر از این را اقتضا نمی‌کند. عالم اصولی در صورتی عالم اصولی دانسته می‌شود که دیدگاه‌های اصولی خود را با قرائن و ادله معتبر شکل داده باشد؛

۳. با تکیه بر ویژگی قبل نکته مهمی آشکار می‌شود و آن اینکه با توجه به فضای بحث علم اصول و مخاطبان آن که فقهای هستند که باید بر اساس منابع معتبر احکام شرعی را استنتاج کنند، رویکرد برون‌گرایانه به توجیه و معرفت‌انگیزه طرح و

پیگیری پیدا نمی‌کند. در صورتی که این انگیزه در فضای بحث‌های معرفت‌شناسی گواهی که دغدغه معرفت و توجیهی (یا تضمینی) وجود دارد که میان عامه انسان‌ها در جریان است، وجود دارد. به عنوان نمونه، جنیفر لکی (Jennifer Lackey) مدافع رویکردی مرکب از درون‌گرایی و برون‌گرایی به توجیه و معرفت در گواهی است (از جمله ر.ک: Lackey, 2008)؛

۴. اشکال معروف توجیه و معرفت مبتنی بر گواهی در کودکان و افراد غیرمتخصص در مورد رویکرد اصولیون و از جمله شیخ انصاری به حجیت خبر واحد قابل طرح نیست؛ چراکه نظریه حجیت خبر واحد اساساً در دایره بزرگسالان مطرح است و به هر گواهی در زندگی روزمره نمی‌پردازد. بر اساس مشکل توجیه در کودکان، شهودی وجود دارد که کودکان واجد باورهای موجه مبتنی بر گواهی هستند؛ ولی شروط لازم برای کسب باور موجه مبتنی بر گواهی را تأمین نمی‌کنند؛

۵. دو ویژگی مورد نظر فریکر از توجیه را که پیشتر بیان کردیم در نظر بگیرید. ویژگی اول میان حجیت و توجیه مشترک است؛ اما در مورد ویژگی دوم باید توضیحاتی را بیان کنیم. از نظر فریکر دلیلی که بر اساس عقل سلیم (common sense) این ویژگی را داشته باشد، می‌تواند توجیه‌گر باشد.^{۱۴} از نظر او دلیل احتمالی معتبر قلمداد می‌شود که از طریق استدلال از طریق بهترین تبیین تأیید شده باشد. از نظر شیخ انصاری نیز هر دلیلی که نشان‌دهنده صدق احتمالی مدلول باشد، حجیت قلمداد نمی‌شود؛ بلکه این دلایل باید در میان دلایلی باشند که افاده ظن معتبر می‌کند؛ اما نکته کلیدی در اینجا دلیل هر کدام از این دو متفکر برای اعتباربخشی به ظنون یا گمان‌هاست. این نکته نیاز به توضیح بیشتر دارد.

بر اساس دیدگاه شیخ انصاری ظنون دارای حجیت ذاتی نیستند:^{۱۵} «تعبّد و عمل به ظنّ و اماره غیرعلمی که دلیلی بر تعبّد به آن دلالت نمی‌کند، نسبت به ادله اربعه [یعنی: کتاب، سنت، عقل و اجماع] حرام است» (سمیعی، ۱۳۸۷: ج ۲، ۹۸). هرچند، ممکن است شیخ انصاری به دلایل مستقلاً ظنون را در فلسفه معتبر بداند. شیخ برای این حرمت چهار دلیل ذکر می‌کند که دو دلیل مبتنی بر کتاب و سنت و درون‌دینی هستند. از میان دو دلیل دیگر که برون‌دینی هستند به دلیل عقل اشاره می‌کنیم:

و دلیلی عقلی (بر حرمت عمل به ظن)، تقبیح و مذمت عقلاء عالم است نسبت به کسی که خود را در انجام فرمان و دستوری که آن را مستند به مولایش دانسته مکلف می‌داند و حال

آنکه علم به صدور آن از جانب مولی ندارد، هرچند از روی جهل و مقصر باشد» (سمیعی، ۱۳۸۷: ج ۲، ۹۹).

ایده اصلی در این جا این است که آنچه از دین نمی‌دانیم در آن داخل نکنیم. در نتیجه، مبنای حرمت یا بی‌اعتباری در اینجا ذاتی نیست، بلکه شرعی است. (سمیعی، ۱۳۸۷: ج ۲، ۱۰۱) پس به‌کارگیری این مدعا در معرفت‌شناسی گواهی امکان‌پذیر نیست.

همان‌گونه که آشکار شد، از نظر شیخ انصاری یگانه‌ظنونی معتبر هستند که ادله‌ای مجازبودن تبعیت از این ظنون را نشان دهند. برای مثال، قیاس (به معنای مصطلح در فقه که تاحدی شبیه تمثیل در منطق است) ظن‌آفرین است، اما صراحتاً نهی شده است. شیخ برای حجیت خبر واحد^{۱۶} چهار دسته دلیل مطرح می‌کند: کتاب، سنت، اجماع و عقل. از میان این ادله فقط ادله مبتنی بر سنت و اجماع را قابل قبول می‌داند. دلایل مبتنی بر سنت و برخی دلایل مبتنی بر اجماع^{۱۷} با توجه به درون‌دینی بودن مناسب با هدف این پژوهش نیست؛ اما یکی از ادله مبتنی بر اجماع، به سیره عقلای عالم^{۱۸} اشاره دارد:

سیره تمام عقلا است که در امور عادی‌شان به خبر ثقه رجوع کنند و از جمله این امور، اوامری است که میان موالی و عبید جاری است (انصاری، ۱۴۲۸ ق: ج ۱، ۱۶۳).^{۱۹}

توضیح آنکه با مراجعه به عقلائی عالم اعم از عالم، عامی، مسلمان و کافر مشاهده می‌کنیم که به اخبار افراد ثقه، عمل می‌کنند. از میان این کارهای روزمره می‌توان به تبعیت از امر مولی (که هدف اصولیون کشف خواست خداوند است) اشاره کرد. در میان این کارها امتثال به امر مولی است وقتی این امر را فرد مورد وثوقی اطلاع داده باشد. اگر او اقدام به انجام این کار نکند از سوی عقلائی عالم قابل سرزنش است (سمیعی، ۱۳۸۷: ج ۵، ۱۲۹).

نکته کلیدی در این مورد این است که از نظر شیخ انصاری سیره عقلا برای کشف احکام شرعی نیز در صورتی معتبر است که بر اساس کتاب و سنت شهادی بر رد آن وجود نداشته باشد. از آنجا که اتکا به سیره عقلا در زمان معصومین نیز وجود داشته است و در برخی موارد، مانند تعداد شاهدین لازم برای دادگاه، رد شده است، عدم رد آن در این مورد به معنای پذیرش آن است (انصاری، ۱۴۲۸ ق: ج ۱، ۳۴۵).

با توجه به آنچه بیان شد، حجیت سیره عقلا نیز باید به نحوی از سوی شارع پذیرفته شده باشد؛ به بیان دیگر، سیره عقلا حجیت ذاتی ندارد؛ اما تعبیر دقیق‌تر این است که «حجیت سیره عقلا در کشف مراد شارع» ذاتی نیست؛ به این معنا که واکنش شارع نسبت

به شیوه کشف مراد او مهم است.

از سوی دیگر، یکی از محورهای اصلی اندیشه فریکر «عقل سلیم»، مفهومی نزدیک به سیره عقلا، است. البته نقش عقل سلیم در اندیشه فریکر بسیار پررنگ‌تر از سیره عقلا در اندیشه شیخ انصاری است.^{۲۰} منظومه فکری فریکر اساساً در فضای عقل سلیم شکل می‌گیرد؛ او از جهان‌بینی مبتنی بر عقل سلیم صحبت می‌کند که شامل مواردی چون روان‌شناسی عامیانه (Folk psychology)، فیزیک عامیانه، معرفت‌شناسی عامیانه و زبان‌شناسی عامیانه می‌شود. فریکر شرایط توجیه‌بخشی گواهی را در همین فضا سامان می‌دهد.^{۲۱}

در همین راستا، فریکر توجیه کافی برای گواهی را از دو جهت «توجیه مبتنی بر عقل سلیم» (commonsense justification) می‌داند. اول اینکه با تکیه بر تصور مبتنی بر عقل سلیم از جهان و زبان این توجیه کافی قلمداد می‌شود. دوم اینکه در زندگی روزمره معمولاً این نوع توجیه پذیرفته شده است و استفاده می‌شود (Fricker & Cooper, 1987: 73-74). یکی از تفاوت‌های مهم بین شیخ انصاری و فریکر در توسل به (به ترتیب) سیره عقلا و عقل سلیم، مبنا و بستر توسل به این مفاهیم است. شیخ انصاری از سیره عقلا در فضایی غیرشکاکانه استفاده می‌کند. عقلا در زندگی روزمره، در شرایطی که شکاکیتی فرض نشده است، به اخبار افراد ثقه اعتماد می‌کنند. به معنای دقیق‌تر، شیخ انصاری قائل به انفتاح باب علم به احکام شرعی است (سمیعی، ۱۳۸۷: ج ۵، ۱۷۸). در نتیجه، انسداد باب علم به احکام و عدم امکان تحقق قطع شیخ انصاری را وادار نکرده است به سراغ خبر واحد که از ادله ظنی است بیاید. برخی مانند میرزای قمی بر این باورند که «در دوران غیبت معصوم راه علم و علمی نسبت به احکام شرعی به روی ما مسدود است. ... لذا هر گمانی از هر راهی که حاصل شود، چه از طریق ظواهر قرآن و چه از طریق خبر واحد ثقه و یا از سایر راه‌ها (به جز طرق باطله مثل قیاس [به معنای فقهی و نه منطقی]) قابل رجوع و اعتماد است» (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۵، ۱۶۵). برخی از اصولیون بر این باورند که دلایل ظنی فقط زمانی حجت هستند که باب علم به احکام شرعی بسته باشد؛ اما اکثر اصولیون معتقدند که این دلایل چه در زمان گشودگی باب علم چه در زمان بسته‌بودن آن حجت‌اند (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۵، ۱۶۵). دقت داشته باشید که در علم اصول منظور از انفتاح و انسداد باب علم، علم به احکام شرعی است؛ نه مطلق علم. فریکر در مورد گواهی به طور کلی در زندگی روزمره صحبت می‌کند؛ با توجه به این گستره بحث معتقد است اگر گواهی را کنار بگذاریم دچار

چنان شکاکیتی می‌شویم که دیگر نمی‌توان زندگی کرد. او از این مطلب نتیجه، می‌گیرد که گواهی می‌تواند معرفت‌بخش باشد (Fricker, 2006b: 228).^{۲۲} توجه به این نکته لازم است که معرفتی که فریکر از آن صحبت می‌کند محصول استنتاج از طریق بهترین تبیین است؛ در نتیجه، ifadeٔ یقین منطقی که احتمال خطا در آن نمی‌رود نمی‌کند. اما آیا ifadeٔ ظن، اطمینان یا یقین روان‌شناختی می‌کند؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند متناسب با مثلاً قابل‌اعتماد بودن گواهی‌دهنده، موضوعی که گواهی می‌شود و دانش‌های پس‌زمینه‌ای شنونده متفاوت باشد.

۴. موجه‌بودن باورهای مبتنی بر گواهی از نظر الیزابت فریکر

بر اساس آثار مختلف فریکر می‌توان دیدگاه برگزیده او را در مورد شروط کسب باور موجه از طریق گواهی در قالب سه شرط^{۲۳} بیان کرد:

گوینده (گ) گزاره (ز) را به شنونده (ش) گواهی می‌دهد. ش به نحو موجهی ز را از طریق گواهی گ باور می‌کند، اگر و تنها اگر:

۱. ش به نحو موجهی باور داشته باشد که گ برای بیان ز از کنش‌گفتاری گفتن استفاده کرده است؛

۲. ش به نحو موجهی باور داشته باشد که گ صادقانه (sincerely) ز را گفته است؛

۳. ش به نحو موجهی باور داشته باشد که گ در زمان گفتن ز، درباره ز دارای صلاحیت بوده است.

در ادامه توضیح مختصری برای هر کدام از این شروط بیان شده است:

استفاده از کنش گفتاری گفتن: از نظر فریکر شرط انتقال معرفت از گوینده به شنونده این است که گوینده خود به آنچه می‌گوید معرفت داشته باشد (Fricker, 2006a: 603). به همین منظور گوینده باید از کنش گفتن^{۲۴} استفاده کند.

صلاحیت و صداقت گوینده: صداقت از نظر فریکر به معنای گفتن آنچه فرد باور دارد است (Fricker, 2016: 116, footnote xxix). و صلاحیت به این معناست که «گوینده گ صادقانه گزاره ز را اظهار نمی‌کند، مگر اینکه آن را بداند»^{۲۵} (Fricker, 2006a: 600, footnote 18).

شروطی که فریکر برای توجیه مبتنی بر گواهی بیان می‌کند، برای کسانی است که توانایی تأمین آن‌ها را داشته باشند. از نظر فریکر نوزادان توانایی تأمین این شروط را

ندارند. از نظر او، نوزادان بخشی از نظام باورهای خود را بر اساس گواهی‌هایی شکل می‌دهند که مبتنی بر اعتمادی بدون پایه تجربی به نفع صداقت و صلاحیت گوینده است. نکته مهم‌تر اینکه در بزرگسالی نمی‌توان تمام باورهایی که بر اساس گواهی در کودکی شکل گرفته‌اند از مسیری غیر از گواهی موجه کرد (Fricker, 1995: 403). از طرف دیگر، او معتقد است نظامی که بر اساس همین اعتماد غیرنقادانه درباره جهان شکل گرفته است، دارای انسجام و یکپارچگی زیادی («شامل انسجام و یکپارچگی میان پیوندهای معرفتی مختلف یعنی ادراک حسی، حافظه و گواهی می‌شود که برای ارتباط با جهان از آنها بهره برده می‌شود») است و این «بهترین نشانه صدق کلی این نظام باورها» است (Fricker, 2004: 126). فریکر باورهای مبتنی بر گواهی‌های مبتنی بر اعتماد غیرنقادانه در دوران کودکی را موجه می‌داند مگر اینکه قرینه مثبتی علیه موجه بودن آنها [در بزرگسالی] داشته باشند (Fricker, 1995: 403, 2004: 125).

۵. حجیت خبر واحد از نظر شیخ انصاری

شیخ انصاری خبر واحدی را که مجرد از قرائن قطعیه است با شرایط زیر حجّت می‌داند:

۱. شنونده اطمینان (= بالاترین حد ظن) به صدور خبر داشته باشد (انصاری، ۱۴۲۸ ق: ج ۱، ۳۶۶)؛

۲. شنونده علم به حسی بودن خبر واحد داشته باشد (انصاری، ۱۴۲۸ ق: ج ۱، ۱۷۹-۱۸۰).

به حدّ کفایت درباره خبر واحد حسی صحبت کردیم؛ در ادامه، اشاره‌ای به شرط موثوق‌الصدور بودن خبر که در شرط اول آمده است می‌کنیم. سپس توضیح می‌دهیم که چرا شیخ انصاری به فقدان مبطل اشاره نکرده است.

موثوق‌الصدور بودن خبر: شیخ انصاری در جمع‌بندی ادله‌ای که برای حجیت خبر واحد ذکر می‌کند ملاک را اطمینان به صدور ذکر می‌کند:

این بود تمام سخن پیرامون ادله‌ای که بر اثبات حجیت خبر واحد اقامه نموده‌اند، که دلالت برخی بر ملّعا و اثبات آن و عدم دلالت برخی دیگر دانسته شد. ولی انصاف این است که: ادله دالّه، بر بیشتر از وجوب عمل به خبری که مفید اطمینان است، دلالت ندارد ... خبری ... که به معنا و مؤدایش اطمینان شود و معیار (در خبر صحیح و موثق) این است که: به

طوری احتمال مخالفتش با واقع بعید باشد که عقلاً هیچ‌گاه به آن احتمال اعتنا نکنند و یا ... خبری ... [باشد] که از ... ترددی ... که با رجحان و ظن سازگاری دارد خالی باشد و تنها به مفاد آن اطمینان و حالت استقرار و ثابتی حاصل آید (ترجمه و شرح کامل رسائل شیخ انصاری^{۲۶}: ج ۵، ۱۶۷).

این دیدگاه را در اصول دیدگاه موثوق‌الصدوری می‌نامند. بر اساس این دیدگاه مهم این است که «وثوق و اطمینان به صدور متن روایت از معصوم (ع) وجود داشته باشد؛ چه راوی خبر، ثقه باشد چه نباشد؛ یعنی وثوق و اطمینان به صدور روایت از معصوم موضوعیت دارد و ثقه‌بودن راوی طریق به آن است، و خود آن، موضوعیت ندارد. در جایی که وثاقت راوی ملاک باشد، به آن، خبر ثقه، و در جایی که وثاقت متن مورد نظر باشد، به آن، خبر موثق گفته می‌شود (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۷: ۴۳۹).

مطلبی که در مورد ارضای این شرط وجود دارد این است که انگیزه‌ای برای خوانش برون‌گرایانه (متناظر با رویکرد برون‌گرایانه به معرفت و تضمین در معرفت‌شناسی) از ارضای این شرط، به معنی صرف تحقق این شرط در عالم واقع بدون اطلاع مخاطبان خبر وجود ندارد؛ زیرا در این صورت متخصص اصول و فقیه نمی‌تواند تکلیف‌نهایی را در مواجهه با خبر واحدی که بررسی می‌کند روشن کند. در نتیجه، ارضای این شرط کاملاً درون‌گرایانه است. به این معنا که باید در منظر متخصص اصول حجّت قلمداد شود.

به عنوان نکته پایانی، به این سؤال پاسخ می‌دهیم که چرا شیخ انصاری شرط فقدان مبطل را مطرح نکرده است. در اصول می‌توان به تفکیکی در حجّت اشاره کرد. حجّت شأنی و حجّت فعلی؛ حجّت شأنی در جایی به کار می‌رود که خبر مورد بحث اقتضای حجّت را داشته باشد؛ در این مورد، ممکن است مبطلی ابطال‌نشده هم برای آن خبر وجود داشته باشد، ولی همچنان اقتضای حجّت بودن را دارا باشد. اگر خبری اقتضای حجّت را داشته باشد، و مانعی مانند مخالفت با خبر قطعی‌الصدور نداشته باشد حجّت فعلی پیدا می‌کند. آنچه در این جا مورد نظر است، شروط حجّت فعلی است؛ به همین دلیل، به شرط عدم وجود مبطل اشاره نشده است.

دیدگاه فریکر متفاوت است؛ او شروط توجیه خود را محدود به اخبار حسی نمی‌کند. او همین شروط را در مورد متخصصان، که از استنباط شخصی نیز بهره می‌گیرند، به کار می‌برد (Fricker, 2006b: 233-238).

۶. نگاهی مقایسه‌ای به شرایط حجیت خبر واحد و توجیه باورهای مبتنی بر گواهی

پس از مروری کوتاه بر مفاهیم کلیدی خبر و گواهی از یک سو و حجیت و توجیه از سوی دیگر می‌توان با نگاهی ژرف‌تر شرایط حجیت خبر واحد را با شرایط توجیه باورهای مبتنی بر گواهی مقایسه کرد. در ادامه به برخی از تفاوت‌ها و شباهت‌های کلیدی اشاره می‌شود:

۱. همان‌گونه که بیان شد، نظریه شیخ در بافتی شکل گرفته است که اساساً برای متخصصان به کار می‌آید. برخلاف نظریه فریکر که در بافتی شکل گرفته است که توجیه باور مبتنی بر گواهی را در مورد همه انسان‌ها بررسی می‌کند. در نتیجه، اشکال توجیه یا معرفت در کودکان را در مورد نظریه فریکر می‌توان طرح کرد؛ ولی در مورد نظریه شیخ انصاری انگیزه‌ای برای طرح این مشکل وجود ندارد.

۲. عنصر محوری حجیت در نظریه شیخ انصاری موثوق‌الصدور بودن است؛ که یکی از راه‌های اطلاع از آن راستگویی گوینده است؛ ولی عنصر محوری توجیه در نظریه فریکر صداقت و صلاحیت گوینده در مورد خبری است که گواهی می‌کند.

۳. فریکر در یکی از مقالات خود (Fricker, 2006b) به شرط فقدان گواهی خلاف اشاره می‌کند و در مقالات دیگرش بر این شرط یا شرط کلی‌تر فقدان مبطل تأکیدی ندارد. به نظر می‌رسد می‌توان شرط صداقت و صلاحیت گوینده را متضمن این شرط دانست؛ به این صورت که وقتی مبطلی برای خبر یافت شود، نشانه‌ای است بر عدم صداقت گوینده یا عدم صلاحیت او.^{۲۷} در مورد شیخ انصاری هم می‌توان شرط وثاقت به صدور را متضمن شرط فقدان مبطل دانست؛ به این معنا که وقتی مبطلی غیر قابل ابطال برای خبر خاصی به دست می‌آید، مانند مخالفت خبر واحد با خبری قطعی‌الصدور یا مخالفت خبر واحد با حکم صریح عقل، وثاقت به صدور خبر از بین می‌رود؛ حتی اگر خبردهنده، ملکه راستگویی را دارا باشد.

۴. فریکر شرط حسی بودن را به عنوان شرط اعتبار نمی‌آورد. انگیزه این مسئله را باید در بافت متفاوت بحث یافت. بحث حجیت رجوع جاهل به عالم که مبنایی است برای قابل قبول بودن تبعیت از خبر حدسی (هرچند این تعبیر در اصول به کار نمی‌رود) در فقه پیگیری می‌شود. اگر از خبر حدسی در اصول سخنی به میان بیاید به این معناست که آیا با خبر حدسی که آمیخته به استنباط و اجتهاد شخص گوینده

است می‌توان با اطمینان از قول، فعل و تقریر معصوم آگاه شد. شیخ انصاری پیرامون این بحث در موضوع اجماع منقول سخن گفته است. از نظر ایشان ادله حجیت خبر واحد فقط در مورد اخبار حسی جاری است.

۷. گستره حجیت خبر واحد و توجیه باورهای مبتنی بر گواهی

مسئله مهم دیگری که باید بررسی شود، این است که از نظر شیخ انصاری و الیزابت فریگر، به ترتیب، خبر واحد حسی در چه موضوعاتی می‌تواند حجیت باشد و گواهی در چه موضوعاتی می‌تواند توجیه‌بخش باشد.

شیخ انصاری بر این باور است که خبر واحد در حیطة اعتقادات حجیت نیست؛ به این صورت که از نظر ایشان برای باور به امور اعتقادی قطع لازم است؛ در صورتی که خبر واحد بدون قرائن دیگر فقط ظن ایجاد می‌کند. در نتیجه، در امور اعتقادی نمی‌توان از خبر واحد بهره برد (انصاری، ۱۴۲۸ ق: ج ۱، ۵۵۵-۵۵۶). البته عدم حجیت خبری واحد به معنای انکار حقیقتی که در آن خبر بیان شده است نیست. تا جایی که نگارنده مطلع است شیخ انصاری در مورد سایر حیطه‌هایی که خبر واحد در مورد آنهاست، مانند اخبار مربوط به پزشکی و تاریخ بحث نمی‌کند، اما اگر بخواهیم دیدگاه او را در مورد آنها بازسازی کنیم به نظر می‌رسد ایشان خبر واحد را در حیطه‌های غیر تشریحی حجیت نمی‌داند. توضیح آنکه همان‌گونه که بیان شد، حجیت نزد ایشان مستلزم منجزیت و معذرت است. این مفاهیم در حوزه تکلیف و تشریح معنادار هستند. امور تکوینی خارج از حوزه قانون‌گذاری شارع است و حوزه تشریح قلمداد نمی‌شود؛ در نتیجه، حجیت اصولی در مورد خبر واحد در این حوزه صادق نیست. به علاوه، برخی دلایلی که ایشان برای حجیت خبر واحد بیان کردند مانند بنای عقلا در خارج از دایره امور تشریحی کارایی ندارد. همان‌گونه که بیان شد، از نظر شیخ انصاری بنای عقلا حجیت ذاتی ندارد و باید به امضای شارع برسد. ایشان امضای شارع را با استناد به سکوت شارع با وجود به‌کارگیری این روش در زمان معصومین اثبات می‌کند. نکته کلیدی اینجاست که سکوت شارع در مواردی به معنای امضاست که در محدوده امور شرعی باشد. در غیر این صورت، باورهای فراوانی درباره امور تکوینی در زمان معصومین وجود داشته است که اگر بنا بود سکوت شارع در مورد آنها به معنی تأیید آنها باشد، شارع باید حجم بسیار زیادی گزاره برای رد باورهای غلط درباره امور تکوینی بیان می‌کرد.

در نتیجه، بنای عقلایی که با سکوت شارع امضا می‌شود، فقط در حوزه امور شرعی است؛ در نتیجه، تا آن جایی بنای عقلا می‌تواند مؤید حجیت خبر واحد باشد که در حوزه امور تشریحی است.^{۲۸}

تفکیک امور تشریحی و تکوینی را به زبان دیگری می‌توان این‌گونه بیان کرد اموری که از بایدها و نبایدها صحبت می‌کنند و اموری که از هست‌ها و نیست‌ها سخن می‌گویند. البته این مطلب به آن معنا نیست که فروع دین یا امور تشریحی از جنس انشائیات هستند؛ چراکه این اخبار حاکی از خواست خداوند هستند که خود واقعی از میان واقعیتهاست و این اخبار گزاره‌هایی اخباری حاکی از خواست خداوند هستند.

چنین تفکیکی در اندیشه فریکر وجود ندارد؛ چراکه بحث او اساساً بافت متفاوتی دارد. فریکر در بحث خود میان دو دسته باورها از نظر اهمیت و احتمال خطا و فریب تفکیک قائل می‌شود. میان باورهایی که به اتفاقات ساده در زندگی روزمره مربوطاند و احتمال دروغ یا خطا در آنها کم است، مانند اینکه امروز صبح چه غذایی را میل کرده‌ایم، نام من چیست، و باورهایی که این احتمال در آنها بالاست تمایز قائل می‌شود. او به طور مطلق، توجیه باورهای دسته دوم را نفی نمی‌کند. بلکه معتقد است برای توجیه باورهای از نوع دوم باید صداقت و صلاحیت گوینده احراز شود؛ لذا اینگونه نیست که منابر صداقت و صلاحیت گوینده باشد مگر اینکه خلاف آن آشکار شود.

۸. نتیجه‌گیری

پس از مرور مفاهیم کلیدی و استدلال‌های به‌کاررفته در بحث حجیت خبر واحد نزد شیخ انصاری و توجیه باور مبتنی بر گواهی نزد الیزابت فریکر روشن شد که دقت در مفاهیم و استدلال‌هایی که در بادی امر مشابه به‌نظر می‌رسیدند حاکی از تفاوت‌های بنیادین میان آنهاست و برای مقایسه آنها باید دقت زیادی به خرج داد.

در اصول به دنبال کشف سنت هستیم به‌گونه‌ای که یا به‌درستی بتوانیم خواست خداوند را کشف کنیم یا در غیر این صورت، در پیشگاه او عذری داشته باشیم. در صورتی که دیدگاه فریکر، متناسب با هدف معرفت‌شناسی، درباره مفهوم توجیه بیشتر به فهم عرفی از حجیت نزدیک است؛ یعنی آنچه که فرد در دفاع از دیدگاه خود می‌تواند به آن ارجاع دهد. متناسب با همین معنای از حجیت در اصول، اتکا به خبر ظنی و توسل به بنای عقلا حجیت

ذاتی ندارد و دلیل خاصی که شیخ برای حجیت آن ذکر می‌کند در نهایت باید به امضای شارع برسد. در صورتی که اگر فریکر از گمان حاصل از گواهی یا توسل به عقل سلیم سخن می‌گوید، در فضایی عرفی است و قابل قبول بودن خود را از امری متعالی دریافت نمی‌کند. شیخ انصاری متناسب با هدفی که در اصول دنبال می‌کند ادله حجیت خبر واحد را در مورد اخبار حدسی جاری نمی‌داند؛ البته همان‌گونه که بیان شد عدم حجیت خبر حدسی به معنای عدم حجیت رجوع جاهل به عالم که به نوعی کسب باور بر اساس استنباط گوینده است نیست. فریکر چنین تمایزی را قائل نمی‌شود و شروطی را که مطرح می‌کند در مورد اخبار حدسی و حسی جاری می‌داند. در ادامه گفته شد که شرط اصلی شیخ انصاری برای حجیت خبر واحد وثاقت به صدور خبر و شرط اصلی فریکر برای توجیه بخشی گواهی صداقت و صلاحیت گوینده است. از نظر شیخ، یکی از راه‌های اطمینان از وثاقت صدور خبر وجود ملکه راستگویی در گوینده است. در این پژوهش دریافتیم که هدف اصولی از بحث پیرامون خبر واحد باعث می‌شود انگیزه طرح برخی دیدگاه‌ها مانند برون‌گرایی در گواهی، مولدبودن گواهی و معرفت و توجیه مبتنی بر گواهی در کودکان که در معرفت‌شناسی معاصر طرح شده‌اند، وجود نداشته باشد.

هرچند برخی مفاهیم مهم در بحث حجیت خبر واحد به درستی در بافتی ناهمگون با بافت معرفت‌شناسی گواهی شکل گرفته‌اند، این بحث می‌تواند با تغییراتی الهام‌بخش طرح نظریاتی معرفت‌شناختی باشد. برای مثال، حجیت اصولی را که مستلزم منجزیت و معذرت در پیشگاه خداوند است، در نظر بگیرید. اگر این مفهوم را در فضای معرفت‌شناسی به این صورت بازسازی کنیم: فرد هنگامی که حجیت دارد، یا باوری صادق اخذ کرده است یا مسئولیت‌های معرفتی خود را انجام داده است و کسی نمی‌تواند او را به خاطر باوری که شکل داده است سرزنش کند. دیدگاهی شبیه به رویکرد تکلیف‌گرایانه به توجیه و معرفت را سامان داده‌ایم؛ البته برای خارج کردن بحث اصولی از بافت خود باید سایر مفاهیم مرتبط هم به گونه‌ای قابل قبول بازسازی شوند. برای مثال، وقتی از این مفهوم حجیت سخن می‌گوییم، قابل سرزنش نبودن (از نظر عقلا) عنصر محوری است. در این صورت اگر بخواهیم از طریق گواهی که یقین‌آور (به معنای منطقی) نیست، باوری را کسب کنیم، باید مثلاً به این سؤالات پاسخ دهیم: آیا توسل به سیره عقلا در معرفت‌شناسی موجه است؟ آیا عقلا کسب باورهای ظنی یا اطمینانی را قابل سرزنش می‌دانند یا نه؟ آیا آن‌ها در تمام حوزه‌ها کسب این باورها را غیر قابل سرزنش می‌دانند یا در برخی حوزه‌ها؟ عقلا با کدام

شروط گواهی را به دست‌دهنده ظن یا اطمینان می‌دانند؟

همان‌گونه که آشکار شد، دو نظریه شیخ انصاری و فریکر آنقدرها هم که در ابتدا به نظر می‌رسید به هم شبیه نیستند؛ اما این نتیجه هرگز نباید به معنای نفی یافتن شباهت‌های بیشتر میان دیدگاه دو نظریه‌پرداز دیگر در معرفت‌شناسی گواهی و اصول فقه تلقی شود.^{۲۹} یکی از نتایج مهم این پژوهش این است که از پژوهشگران بخواهد در مقایسه مفاهیم به کاررفته در این دو نظام فکری دقیق و ریزبین باشند.

پی‌نوشت

۱. به این دلیل از تعبیر نقل استفاده نکرده‌ام که این تعبیر پیش فرضی را درباره ماهیت محکی خود به همراه دارد که برخی معرفت‌شناسان آن را نپذیرفته‌اند و آن اینکه گواهی صرفاً انتقال‌دهنده معرفت است نه مولد آن. تعبیر گواهی نسبت به این پیش فرض لابشرط است.
۲. برخی مانند آخوند خراسانی درباره بحث خبر واحد گفته‌اند: «پنهان نیست که این مسئله از مهمترین مسائل اصولی است» (خراسانی، ۱۴۰۹ ق: ۲۹۳).
۳. برای آگاهی از ادوار اصول فقه و جایگاه شیخ انصاری در این میان می‌توانید از جمله مراجعه کنید به: (گرچی، ۱۳۶۱: ۴۸).
۴. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹). فرهنگ نامه اصول فقه، قم، ص ۴۳۸.
۵. فریکر در آثار خود در تعریف نمونه‌الگوی گواهی تعابیر متفاوتی را که اغلب اجمال یا تفصیل همین تعریف است بکار برده است. برای نمونه ر.ک: Fricker, 2004: 112; 2002: 375.
۶. از نظر فریکر گواهی صرفاً انتقال‌دهنده معرفت است (Fricker, 2006a: 604).
۷. برخی از این تعاریف آنقدر در میان اصولیون مشهور است که به طور خاص در کتاب *فرائدالاصول* شیخ تعریف نشده است.
۸. در تعداد روایان و اینکه خبر متواتر به دست‌دهنده یقین استنباطی است یا استقرایی اختلاف نظر است (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹: ۴۴۲).
۹. فریکر به بحث متخصص ذیل بحث گواهی می‌پردازد (مخصوصاً در مقاله «گواهی و خودمختاری معرفتی» (۲۰۰۶)).
۱۰. آنچه در این مقاله پیگیری می‌شود، شرایط کسب باور موجه بر اساس گواهی یا شرایط حجیت خبر واحد است؛ نه شرایط معرفت مبتنی بر گواهی یا علم بر اساس خبر واحد.

۱۱. از نظر علمای شیعه «خبر واحد افاده ظن می‌کند؛ ظن بما هو ظن ارزشی ندارد و حجیت آن، نیازمند دلیل قطعی است». برخی از علمای شیعه بر این باورند که این دلیل قطعی وجود دارد. بیشتر عالمان شیعه از جمله شیخ طوسی از این دیدگاه دفاع می‌کنند. برخی دیگر از عالمان شیعه، اما، بر این باورند که این دلیل قطعی وجود ندارد؛ در نتیجه، خبر واحد حجت نیست. سید مرتضی یکی از طرفداران این دیدگاه است. گروه دیگری نیز تحت عنوان اخباریون وجود دارند که معتقدند روایات و از جمله اخبار واحدی که در کتب معروف حدیثی مانند «کتب اربعه» و «کامل الزیارات» آمده اند، قطعی‌الصدورند، قطع حجت است و در نتیجه، این اخبار از این جهت حجیت دارند (فرهنگ نامه اصول فقه، ۴۴۰)

۱۲. مثلاً ر.ک. به: فرائد الاصول، ص ۲۴.

۱۳. نشانه باور فریکر به این دیدگاه را از جمله می‌توانید در این جا بیابید: Fricker, 1987, 66, fn. 12.

۱۴. فریکر عیناً چنین تعبیری را بیان نکرده است، اما بر اساس منظومه فکری او می‌توان چنین برداشتی را از اندیشه او کرد.

۱۵. برخی مانند محمد حسین زاده و عبدالله محمدی بر این باورند که مفهوم اطمینان که بالاترین درجه ظن است، دارای اعتبار ذاتی است و نیاز به جعل حجیت ندارد. ایشان تنها اختلاف اطمینان و قطع را احتمال خلاف موجود در اطمینان می‌دانند. آن‌ها این احتمال را آنقدر ضعیف می‌دانند که معتقدند عقلاً در موقعیت اطمینان یا اصلاً احتمال خلاف نمی‌دهند یا اگر بدهند این احتمال آنقدر ناچیز است که به آن توجه نمی‌کنند. آن‌ها از یک سو، این احتمال خلاف را در خبر متواتر یا بسیاری ادراکات حسی که از نظر عقل قطعی است، موجود می‌دانند و از سوی دیگر، این بی‌اعتنایی عقلاً را ناشی از تسامح عرفی و بی‌مبالاتی در زندگی معمولی نمی‌دانند؛ بلکه ریشه آن را در بی‌ارزش بودن چنین احتمال خلافی می‌دانند؛ آن‌ها این چشم‌پوشی از احتمال خلاف را امری تعبدی نمی‌دانند که اشکال شود چشم‌پوشی به نحو تعبدی امکان‌پذیر نیست (حسین‌زاده، محمدی، ۱۳۸۹: ۱۴۵ - ۱۴۶). در نتیجه، ایشان بر این باورند که «دلیل تعبدی انسان‌ها را مجاز به معتبر دانستن خبر واحد نموده است» (حسین‌زاده، محمدی، ۱۳۸۹: ۱۴۶).

۱۶. شیخ انصاری پیش از طرح ادله حجیت خبر واحد ثقه که از ظنون قلمداد می‌شود، به این موضوع می‌پردازد که آیا امکان دارد شارع حکم به تعبد نسبت به ظنون بکند؟ آیا تبعیت از ظنون تالی فاسدی در پی ندارد؟ او با تکیه بر شیوه عقلاً معتقد است تاحدی که ما متوجه می‌شویم تالی فاسدی به نظرمان نمی‌رسد؛ تا زمانی که چنین تالی فاسدی کشف نشده است، بنا بر این است که تبعیت از ظنون تالی فاسد ندارد (انصاری، ۱۴۲۸ ق: ج ۱، ۱۶۷ - ۱۶۸).

۱۷. شیخ انصاری با شش نسخه متفاوت از دلیل اجماع را مطرح می‌کند که بنای عقلا یکی از آنهاست. از نظر او کسی که اجماع در این مسئله را نپذیرد در هیچ مسئله فقهی بجز ضروریات مذهب نمی‌تواند به اجماع برسد (انصاری، ۱۴۲۸ ق: ج ۱، ۳۴۱).
۱۸. بررسی نسبت میان مفهوم «سیره عقلا» و «عقل سلیم» نیازمند مقاله‌ای مستقل است.
۱۹. ترجمه از: سمیعی، ۱۳۸۷: ج ۵، ۱۲۷.
۲۰. شیخ انصاری، در دانش اصول، در موارد متعددی به عرف استناد می‌کند: شناخت مفاهیم الفاظ، تأسیس اصول لفظیه عقلائیّه، حجیت ظواهر، حجیت خبر واحد، اثبات برخی اصول عملیه مانند استصحاب، جمع و تقدیم ادله (مخلصی، ۱۳۷۳).
۲۱. در آثار گوناگون فریکر این اندیشه مشاهده می‌شود از جمله: Fricker, 1995: 397.
۲۲. فریکر در مواضع گوناگونی این رویکرد ضدشکاکانه را مطرح کرده است. از جمله: Fricker, 2004: 110-111, 2006b: 610؛ او در باب علم هم مشابه این دیدگاه را بیان کرده است: ر.ک. به: Fricker, 2002: 375.
۲۳. فریکر در آثار گوناگون خود بیان‌های متفاوتی از این شروط داشته است؛ در مقاله مستقلی با عنوان «نگاه تحلیلی به دیدگاه الیزابت فریکر درباره توجیه باورهای مبتنی بر گواهی» که در آینده منتشر خواهد شد، نشان داده‌ام که چرا نظریه فریکر را باید در قالب این سه شرط بیان کرد. در مواردی هم فریکر شروط خود را ضمن استدلال بیان کرده است. برای نمونه: Fricker & Cooper, 1987: 73; Fricker, 1999: 909, 2004: 113, 2006a: 604 footnote 30, 2006a: 595, 2006b: 233, 2015b.
۲۴. ویژگی‌های کنش‌گفتاری گفتن در قسمت‌های قبل بیان شد.
۲۵. برای اطلاع بیشتر درباره چگونگی تأمین شروط مربوط به صداقت و صلاحیت از جمله ر.ک. به: Fricker, 1994.
۲۶. تعبیری که در این نقل قول آمده است، بیان خود شیخ است و شرح دیدگاه او نیست.
۲۷. برای توضیح بیشتر به مقاله‌ای از نگارنده که به بررسی شرایط شنونده در نظریه توجیه مبتنی بر گواهی فریکر اختصاص داده شده است و در آینده منتشر خواهد شد، مراجعه فرمایید.
۲۸. این رویکرد از ابعاد گوناگون ناقدانی دارد. از جمله ر.ک. به: حسین‌زاده و محمدی، ۱۳۸۹.
۲۹. یکی از تلاش‌ها در این جهت در کتاب «ارزش معرفت‌شناختی دلیل نقلی» نوشته آقای عبدالله محمدی (محمدی، ۱۳۹۵) منعکس شده است. موفقیت او در این پژوهش البته موضوعی است که اقتضای طرح در این پژوهش را ندارد.

منابع

- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۲۸). *فرائد الأصول*، ۴ جلد، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- حسین زاده، محمد، عبدالله محمدی (۱۳۸۹). «اعتبار معرفت‌شناختی خبر واحد در اعتقادات»، ذهن، ش ۴۳.
- خراسانی، محمد کاظم بن حسین (۱۴۰۹). *کفایة الأصول*، قم: موسسه آل البيت عليهم السلام.
- سمیعی، جمشید (۱۳۸۷). ترجمه متن و شرح کامل رسائل شیخ انصاری (۱۱ جلد)، اصفهان: خاتم الانبیاء.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۶۱). *نگاهی به تحول علم اصول، بنیاد بعثت*، تهران: واحد تحقیقات اسلامی.
- محمدی، عبدالله (۱۳۹۵). *ارزش معرفت‌شناختی دلیل نقلی*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مخلصی، عباس (۱۳۷۳). «پایه‌های فکری شیخ انصاری»، *کاوشی نو در فقه*، ش ۱.
- مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹). *فرهنگ‌نامه اصول فقه*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- نرم‌افزار جامع اصول فقه (۱۳۹۱). مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

- Fricker, E. (1994). 'Against Gullibility', In B. K. Matilal & A. Chakrabarti (Eds.), *Knowing from Words*, Springer Netherlands.
- Fricker, E. (1995). 'Telling and Trusting: Reductionism and Anti-Reductionism in the Epistemology of Testimony; Critical Notice', *Mind*, 104.
- Fricker, E. (2002). 'Trusting others in the sciences: a priori or empirical warrant?', *Studies in History and Philosophy of Science Part A*, 33(2).
- Fricker, E. (2004). 'Testimony: Knowing Through Being Told', In I. Niiniluoto, M. Sintonen, & J. Woleński (Eds.), *Handbook of Epistemology*, Springer Netherlands.
- Fricker, E. (2006a). 'Second-Hand Knowledge', *Philosophy and Phenomenological Research*, 73(3).
- Fricker, E. (2006b). 'Testimony and Epistemic Autonomy'. In J. Lackey & E. Sosa (Eds.), *The epistemology of testimony*, Oxford, New York: Clarendon Press; Oxford University Press.
- Fricker, E. (2006c). Varieties of Anti-Reductionism About Testimony—A Reply to Goldberg and Henderson. *Philosophy and Phenomenological Research*, 72(3).
- Fricker, E. (2012). 'Stating and Insinuating', *Aristotelian Society Supplementary Volume*, 86(1).
- Fricker, E. (2016). 'Unreliable Testimony', In B. McLaughlin & H. Kornblith (Eds.), *Goldman and His Critics*, Hoboken, NJ, USA: John Wiley & Sons, Inc.
- Fricker, E., & Cooper, D. E. (1987). 'The epistemology of testimony', *Proceedings of the Aristotelian Society, Supplementary Volumes*, 57–106.
- Lackey, J. (2008). *Learning from words: testimony as a source of knowledge*. Oxford; New York: Oxford University Press.